

اهمیت ژئواکونومیک قفقاز برای ترکیه: منافع، راهبردها و دستاوردها

جواد زراعت پیمان*

نسیم شاطر حیدر تهرانی**

مقدمه

کشور ترکیه به دلیل مجاورت جغرافیایی با قفقاز و پیوندهای محکم قومی، زبانی و تاریخی با بیشتر مردمان این منطقه از جمله مهمترین بازیگرانی است که همواره نقش قابل توجهی در قفقاز دارا بوده است. قفقاز در سیاست خارجی ترکیه همواره به دلایل متعدد سیاسی، امنیتی، فرهنگی و اقتصادی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. کشور ترکیه به عنوان یکی از قدرت‌های مهم منطقه‌ای به دنبال تحکیم و تثبیت نفوذ خود در قفقاز بوده است. این کشور به دلیل موقعیت جغرافیایی منحصر به فرد خود که از یک سو در مجاورت قفقاز و منابع عظیم انرژی خزر قرار دارد و از سوی دیگر در کنار دریای سیاه، مدیترانه و اروپا واقع شده است، دارای موقعیت ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک ویژه‌ای می‌باشد. سؤال اصلی این مقاله این است که منطقه‌ی پرتنش قفقاز چه مزایا و فواید اقتصادی برای کشور ترکیه می‌تواند داشته باشد؟ در ذیل پرسش اصلی، سؤال دیگری نیز مطرح می‌شود؛ از جمله اینکه این کشور برای دسترسی به منافع خود در منطقه از چه استراتژی‌هایی استفاده کرده و تاکنون به چه نتایجی رسیده است؟ استدلال مقاله‌ی حاضر این است که منطقه‌ی یاد شده، فرصت‌های اقتصادی بیشتری را نصیب ترکیه خواهد کرد. عبور خطوط لوله انرژی دریای خزر از این کشور از جمله خط لوله‌ی باکو - تفلیس - جیهان، به دست آوردن سهم بیشتری از بازارهای منطقه، سرمایه‌گذاری گسترده در این کشورها، استفاده از قفقاز به عنوان سکوی پرتاب برای ادغام کامل در جامعه‌ی اروپا، فشار مضاعف به روسیه و محدود کردن نفوذ آن در قفقاز، تبدیل شدن به شاهراه اصلی انتقال انرژی و فواید حاصل از آن (امنیت داخلی، حق ترانزیت، افزایش وجهه و نفوذ منطقه‌ای و جهانی) از جمله‌ی این مزایا هستند. در حال حاضر قفقاز از دو جنبه‌ی متفاوت از اهمیت بالایی برخوردار است؛ یکی از جنبه‌ی استراتژیک که این مورد از گذشته‌های دور مورد توجه بوده است و دوم از جهت اقتصادی می‌باشد که در این مقاله نیز به مورد دوم می‌پردازیم و اهمیت ژئواکونومیک منطقه را برای ترکیه مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.

منافع ترکیه در قفقاز

فروپاشی اتحاد شوروی و برچیده شدن نظام دوقطبی و به دنبال آن خارج شدن منطقه‌ی قفقاز از بایگانی مناطق استراتژیک جهان، تغییرات و فضای امنیتی جدیدی را برای کشورهای قفقاز و مناطق

پیرامون آن به ارمغان آورد. این تحولات با تشکیل کشورهای جدید التاسیس، جمهوری‌های آذربایجان، ارمنستان و گرجستان، در منطقه قفقاز از یک سو و تلاش برای پرکردن خلاء ژئوپلیتیکی توسط قدرتهای منطقه‌ای از سوی دیگر، فضای امنیتی قفقاز را با چالش‌هایی در ابعاد داخلی و خارجی مواجه نموده است. تحولات شگرف جهانی، منطقه‌ای و داخلی در دو دهه اخیر، موقعیت ترکیه را دگرگون کرده و آن را از یک کشور عقب مانده و دارای اهمیت استراتژیک غرب به قدرتی منطقه‌ای با تمایلات بلندپروازانه در خاورمیانه، آسیای مرکزی و قفقاز تبدیل کرده است. اگرچه ترکیه دیگر اهمیت استراتژیک دوران جنگ سرد را برای غرب ندارد، اما سیاستگذاران ترکیه نقشی جدید بر آن آفریدند، نقشی جدید در خور یک قدرت منطقه‌ای با توان اقتصادی-امنیتی قابل توجه و همسو با سیاست‌های کلی دنیای غرب. با پایان گرفتن جنگ سرد و از دست رفتن موقعیت استراتژیک ممتاز ترکیه در خاورمیانه، برخی از سیاستمداران ترک به این نتیجه رسیدند که ترکیه باید نگاه خود را متوجه شرق کند. خاتمه سلطه سیاسی شوروی بر منطقه آسیای مرکزی و قفقاز موقعیت طلایی برای ترکیه محسوب می‌شد. تا قبل از فروپاشی، ترکیه تنها دولت ترک در جهان بود که اینک ناگهان ۵ جمهوری ترک در آسیای مرکزی و قفقاز ظاهر شده بودند و ترکیه می‌توانست با تکیه بر همین عامل زبان و فرهنگ ترکی روابط ویژه‌ای با آنها برقرار کند. با فروپاشی شوروی، سیاستمداران ترکیه، این کشور را نمونه‌ای مطلوب برای کشورهای تازه استقلال یافته‌ی آسیای مرکزی و قفقاز اعلام کردند. به طوری که «سلیمان دمیرل» رئیس جمهور ترکیه در سال ۱۹۹۱ پیشنهاد کرد که این کشورها، نظام سیاسی ترکیه را برگزینند. در سال‌های اخیر ترکیه تلاش‌های بسیاری را به عمل آورده است تا خود را به عنوان کشوری دموکراتیک، غیر مذهبی و مبتنی بر نظام سرمایه داری با اقتصاد بازار به جهان و مخصوصاً کشورهای منطقه قفقاز معرفی کند. (۱) در نشریه‌ی رسمی وزارت امور خارجه‌ی ترکیه نیز این امر تصریح شده است که ترکیه یک دموکراسی جاافتاده و غیر مذهبی دارد و در آن حقوق اساسی بشر، حاکمیت قانون و اصل اقتصاد مبتنی بر بازار مورد احترام است. این خود موجب می‌شود که ترکیه الگویی برای کشورهای تازه استقلال یافته و دنیای اسلام مورد نظر قرار بگیرد. (۲) همچنین این کشور با طرح شعارهای آرمان‌گرایانه و تزیین ترکیسم می‌کوشد با تاکید بر برخی از اشتراکات فرهنگی، نژادی و مذهبی نقش محوری را در منطقه قفقاز ایفاء نماید. از لحاظ اقتصادی نیز قلمرو ترکیه نزدیکترین راه خروج کشورهای منطقه به اروپا است و متقابلاً منطقه قفقاز کوتاه‌ترین راه برای ایجاد راه‌های تجاری میان ترکیه و کشورهای منطقه جنوب شرقی آسیا، چین و ژاپن است. از نظر ترکیه راه نفوذ به کل منطقه آسیای مرکزی، مسیر قفقاز

است و قفقاز مهمترین دروازه برای این کشور به منظور توسعه مناسبات اقتصادی و روابط تجاری با جمهوری‌های منطقه محسوب می‌شود. نظر به وجود ذخایر انرژی در منطقه و حوزه دریای خزر، ترکیه همواره بر انتقال نفت و گاز حوزه دریای خزر و منطقه آسیای مرکزی و قفقاز به بازارهای جهانی از قلمرو کشورش از دیدگاه استراتژیک نگریسته است. به طوری که تأکید بر احداث خط لوله باکو - تفلیس - جیحان، علیرغم غیر اقتصادی بودن آن، در راستای هدف مذکور از سوی ترکیه پیگیری می‌شود. (۳) به طور کلی منافع ترکیه در منطقه قفقاز را می‌توان در موارد زیر برشمرد:

۱. گسترش نفوذ در منطقه و یافتن جایگاهی مناسب در آن؛

۲. ایفای نقش پل ارتباطی بین غرب و منطقه؛

۳. ممانعت از شکست جمهوری آذربایجان در جنگ با ارمنستان در مناقشه قره باغ؛

۴. ارائه کمک‌های اقتصادی، مالی و فنی به کشورهای منطقه به منظور پیشبرد اهداف خود؛

۵. بهره‌گیری از قفقاز به مثابه سکوی پرتابی برای ادغام کامل در جامعه‌ی اروپا و غرب؛

۶. احیای ناسیونالیسم قومی در حوزه‌ی جنوبی شوروی سابق؛ (۴)

در حقیقت می‌توان مدعی شد که نحوه‌ی نگرش ترکیه در قبال کشورهای قفقاز، انعکاس و بازتابی از مهم‌ترین موضوعات و مسائلی است که سیاستمداران این کشور با آنها دست به گریبان‌اند. جایگاه آتی ترکیه در اروپا، بحران هویت و معضلات اقتصادی در شمار اهم مسائل یاد شده می‌باشند که دولتمردان ترک می‌کوشند با بهره‌گیری از امکانات و فرصت‌های برآمده از ظهور آسیای مرکزی و قفقاز در جهت حل آنها اهتمام نمایند. (۵)

سیاست‌ها و روش‌های ترکیه در قفقاز

با توجه به منافع ترکیه که در قسمت قبل از آنها نام بردیم، این کشور تلاش کرده است تا با استفاده از موقعیت خود در منطقه به این منافع دست یابد. ما در این قسمت به روش‌ها و سیاست‌هایی که ترکیه برای رسیدن به این منافع بکار برده می‌پردازیم و میزان موفقیت و ناکامی ترکیه را مورد ارزیابی قرار می‌دهیم. تحول ژئوپلتیک در حوزه‌ی شوروی سابق فرصت گران‌قدری نصیب ترکیه ساخت که به تعبیر «عثمان اوغلو» محقق ترک، درهای جهان که به روی ترکیه بسته شده بود، مجدداً باز شود. جایگاه قفقاز جنوبی در سیاست خارجی و امنیتی ترکیه متأثر از متغیرهایی نظیر تلاش برای احیای ناسیونالیسم ترکی با بهره‌گیری از مفهوم پان‌ترکیسم و اشتراکات تاریخی - فرهنگی ترکیه با منطقه، الحاق ترکیه به اتحادیه‌ی اروپا، رقابت ژئوپلتیک با روسیه در منطقه و تلاش برای بهره‌گیری از اقتصاد منطقه به عنوان

مکمل اقتصاد متحول ترکیه است. با این حال محققین ترک، مهم‌ترین هدف دراز مدت ترکیه در منطقه را ایجاد و حفظ اوراسیاگرایی کثرت‌گرا که درهای آن به سوی غرب و به ویژه به سمت ترکیه باز می‌شود، می‌دانند. یکی از مهمترین اهداف ترکیه در نگاهش به منطقه‌ی قفقاز، تبدیل شدن به شاهراه حیاتی انتقال انرژی از منطقه می‌باشد. ترکیه در تلاش است که تمامی این خطوط لوله از خاکش عبور کند. از جمله بزرگ‌ترین طرح‌های خط لوله این منطقه که از کشور ترکیه می‌گذرد، یکی خط لوله نفتی باکو - تفلیس - جیحان است که نفت حوضه‌ی آذری را در طول یک مسیر ۱۰۴۰ مایل (حدود ۱۶۷۳ کیلومتر) از آذربایجان به گرجستان و سپس به بندر جیحان در ساحل مدیترانه‌ای ترکیه می‌رساند. این خط تنگه‌های ترکیه را کنار می‌گذارد. در ۲۷ آبان ۱۳۷۸ (۱۸ نوامبر ۱۹۹۹) چهار کشور آذربایجان، ترکیه، قزاقستان و گرجستان در نشست‌ی در استانبول با ساخت خط لوله باکو - تفلیس - جیحان موافقت کردند و در پایان گفتگوهایشان اظهارنامه‌ی استانبول را ضمن تصویب و تایید رئیس جمهوری آمریکا امضاء کردند. (۶) سرانجام این خط لوله در ۴ خرداد ۱۳۸۴ (۲۵ می ۲۰۰۵) با حضور روسای جمهور آذربایجان، قزاقستان، گرجستان و ترکیه افتتاح شد. رضایت کشورهای مثل ترکیه، قزاقستان، گرجستان، آذربایجان به ایجاد چنین خط لوله‌ای به خاطر مزایای اقتصادی آن برای این کشورها از جمله حق ترانزیت برای کشور فقیر گرجستان بود. فواید این خط لوله برای ترکیه عبارت است از:

۱. انتقال نفت از طریق این خط لوله از آلودگی محیط زیستی بسفر و داردانل جلوگیری می‌کرد.

۲. اگر چه ترکیه کشور هم مرز با دریای مازندران نیست، ولی نقش کلیدی را در صادرات نفت مازندران بازی می‌کند.

۳. ترکیه می‌تواند روابط سیاسی و اقتصادی‌اش و همکاری با کشورهای منطقه آسیای مرکزی و قفقاز را افزایش دهد، بویژه با جمهوری آذربایجان.

۴. هزینه‌ی ترانزیت یک منبع چشمگیر درآمدی برای ترکیه است.

۵. با توجه به موقعیت سیاسی ترکیه، این کشور می‌تواند نقش غربی‌ترین کشور را بازی کند و همچنین می‌تواند به صورت مثبت و یا منفی سیاست‌های منطقه‌ای را تحت تاثیر قرار دهد. (۷)

کشور ترکیه از راه ترانزیت انرژی (نفت) که از خط باکو - تفلیس - جیحان می‌گذرد، در سال ۱۳۰، ۲۰۰۴ میلیون دلار درآمد داشت که معادل ۰.۷٪ درصد از تولید ناخالص داخلی این کشور بود. ترکیه علیرغم میل باطنی کشور آذربایجان از پایین آمدن قیمت ترانزیت جلوگیری می‌کند؛ به طوری که قیمت‌ها از ۳۱ دلار در سال ۲۰۰۳، به ۷۰ دلار در هر بشکه در سال ۲۰۰۵ رسید و از این راه سود کلانی نصیب این

کشور شد. در مجموع وزارت انرژی و آژانس‌های دولت مانند شرکت نفت ترکیه (TPAO) و شرکت خطوط لوله دولتی ترکیه (BOTAS)، بر روی انرژی منطقه تمرکز کرده‌اند. شرکت نفت ترکیه در میدان‌های نفتی آذربایجان در «آذری»، «چراغی» و «گونشلی» در سواحل دریای خزر در حدود سرمایه‌گذاری‌های زیادی کرده است. براساس آمار وزارت انرژی ترکیه، در سال ۲۰۰۰، ترکیه در حدود ۳۵ میلیون تن نفت وارد کرده است که پیش بینی می‌شود در سال ۲۰۱۰ واردات این کشور به ۴۹ میلیون تن برسد که حدود ۲۰ میلیون تن آن را از منطقه‌ی خزر و روسیه وارد می‌کند. (۸) همچنین این کشور هر ساله می‌تواند ۱۵ میلیون تن نفت از خط لوله‌ی باکو - تفلیس - جیحان استفاده کند که این امر تا سال ۲۰۱۰ افزایش خواهد یافت. سود حاصل از این خط لوله برای کشور ترکیه در حدود ۱۰۰ تا ۳۰۰ میلیون دلار تخمین زده شده است. (۹) خط لوله‌ی دوم، موسوم به خط لوله‌ی جنوب قفقاز (باکو - تفلیس - ارزروم) می‌باشد که در بیشتر مسیر قبل از اتصال به زیر ساخت ترکیه‌ای در نزدیکی شهر ارزروم به موازات خط لوله‌ی باکو - تفلیس - جیحان پیش می‌رود. این خط که به BTE نیز معروف است از منطقه قفقاز به سمت غرب، از آذربایجان به تفلیس و سپس در مسیری به سوی جنوب ترکیه به شهر ارزروم کشیده می‌شود که در آنجا به شبکه‌ی خط لوله‌ی سراسری گاز ترکیه متصل خواهد شد. این خط لوله، گاز استخراجی منابع عظیمی از گاز طبیعی آذربایجان را در منابع دریایی «شاه دنیز» که ذخایر اثبات شده آن ۴۹۰ میلیارد متر مکعب است، به ترکیه منتقل خواهد کرد. با توجه به خطوط لوله‌ی یاد شده، ترکیه در صدد است که اهمیت ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک را که در منطقه دارد، بیش از پیش افزایش دهد و به عنوان کشوری قدرتمند هم در عرصه‌ی منطقه‌ای و هم در عرصه‌ی جهانی، قدرت خود را به نمایش بگذارد. (۱۰)

دومین هدف ترکیه در منطقه قفقاز به دست آوردن هر چه بیشتر بازارهای اقتصادی برای کالاهای صنعتی تولید ترکیه و سرمایه‌گذاری‌های عظیم به ویژه در بخش انرژی، حمل و نقل، تاسیسات زیر بنایی مانند پالایشگاه‌ها و کارخانه‌های تولیدی می‌باشد، تا به سطحی برسد که بتواند بر مبنای یک اقتصاد داخلی شکوفا نقش مهمی در خارج از کشور ایفا کند. دستیابی به این اهداف، ترکیه را به واسطه‌گر اصلی در تجارت فوق‌العاده سودآور انرژی شرق - غرب تبدیل می‌کند و ثروت بادآورده‌ی هنگفتی را به ارمغان خواهد آورد. در این راستا ترکیه جزء اولین کشورهایی بود که پس از فروپاشی شوروی، کشورهای تازه استقلال یافته را به رسمیت شناخت و آمادگی خود را برای گسترش روابط و بویژه انتقال تجربیات خود به این کشورها در گذار از نظام کمونیستی به دموکراسی و اقتصاد بازار اعلام کرد. ترکیه در اولین اقدام شروع به گسترش روابط اقتصادی خود با این کشورها نمود و زمینه‌ی

سرمایه‌گذاری خارجی را با اختصاص اعتبارهای پولی و مالی به این کشورها مهیا کرد. مجموع ارزش اعتبارات اختصاص داده شده در سال‌های اولیه‌ی فروپاشی به بیش از ۱/۵ میلیارد دلار رسیده بود. بیش از ۲۰۰ شرکت مهم ترکی انجام پروژه‌های مهمی را در بخش‌های حمل و نقل، ارتباطات، ساختمان، معدن، نفت و گاز و... که بالغ بر ۸ میلیارد دلار می‌شود، برعهده دارند. در مجموع ترکیه با علم به اهمیت ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک منطقه، با بسیج امکانات خود در بخش دولتی و غیردولتی به پیشبرد سیاست‌های خود در منطقه پرداخت. در بخش دولتی با ایجاد «آژانس همکاری و توسعه ترکیه» در سال ۱۹۹۲، مسئولیت پیشبرد همکاری‌های اقتصادی را بر عهده‌ی آژانس مذکور گذاشت. این مجموعه وابسته به وزارت امور خارجه ترکیه است. اجرای پروژه‌های عمرانی و سرمایه‌گذاری در زمینه‌های مختلف بخشی از وظایف آژانس است. ترکیه همچنین فضای شوروی سابق را بهترین عرصه برای تأمین منابع مورد نیاز انرژی خود، کسب درآمد از انتقال منابع انرژی منطقه و عرضه کالاهای ساخت ترکیه دید.

سومین هدف ترکیه در ارتباط با منطقه که به نوعی اساسی‌ترین هدف آن از زمان تاسیس جمهوری تاکنون می‌باشد، عضویت کامل در اتحادیه اروپا و پذیرفته شدن به عنوان یک دولت تمام عیار غربی است. به همین دلیل ترکیه تمام تلاش و توانش را به خدمت گرفته است تا بسان دروازه‌ی غرب و پایگاه نفوذ آنان در منطقه شناخته شود. این کشور تلاش کرده است تا اهمیت و موقعیت خود در منطقه را به اروپا تفهیم نماید. در این چهارچوب، نگاه ترکیه به قفقاز به میزان زیادی یک نگرش تاکتیکی است که در چهارچوب آن، منطقه مذکور به سکوی پرتاب ترکیه برای رسیدن به اتحادیه اروپا تعبیر شده است. با توجه به تلاش ترکیه برای عضویت کامل در اتحادیه اروپا، و ایراداتی که این اتحادیه به ترکیه وارد می‌کند، از جمله مسئله کردها، حقوق بشر و مسئله قتل عام ارمنه در سال ۱۹۱۵ توسط دولت عثمانی، سیاست‌مداران ترک سعی می‌کنند که توجه اتحادیه اروپا را به اهمیت ژئواستراتژیک ترکیه در منطقه قفقاز جلب کنند. این کشور درصدد است تا از پتانسیل‌هایی که دارد، هر چه بیشتر استفاده کند و تبدیل به مرکز ثقل منطقه شود.

چهارمین هدف ترکیه در منطقه قفقاز، فشار مضاعف به روسیه و محدود کردن نفوذ آن در این منطقه می‌باشد. از آنجا که دو کشور ترکیه و روسیه دارای مرزهای زیادی با اروپا می‌باشند و نزدیک‌ترین مسیرهای انتقال انرژی به اروپا می‌باشند همواره در تقابل و تضاد با همدیگر بودند. تجربه نشان داده است که روسیه نمی‌تواند یک تأمین‌کننده‌ی وفادار انرژی مورد نیاز اروپا تلقی شود. به عنوان مثال

تجربه‌ی زمستان ۲۰۰۶ که روسیه شیر گاز را بر روی اوکراین و اروپا به علت اختلاف بر سر قیمت گاز انتقالی بست، سبب شد تا اتحادیه اروپا دید مثبتی برای طولانی مدت به روسیه نداشته باشد. به همین خاطر ترکیه در کانون توجه اروپا برای تامین انرژی مورد نیاز خود به عنوان یک راه ترانزیتی برای حمل انرژی منطقه‌ی قفقاز و به خصوص حوزه‌ی خزر، قرار دارد. همچنین اهمیت نقش ترکیه در منطقه قفقاز را می‌توان از منظر سیاست خارجی آمریکا در مورد اوراسیا دریافت. از نظر آمریکا، ترکیه مجری بسیاری از نظرات این کشور در منطقه است. در این ارتباط دو هدف استراتژیک مطرح است: اول اینکه باید از بسته شدن راه‌های انرژی اوراسیا به روی آمریکا و غرب جلوگیری به عمل آورد و دوم اینکه نباید آسیای مرکزی و قفقاز را تحت حاکمیت روسیه رها کرد. به طوری که ملاحظه می‌شود، ترکیه به نیابت از آمریکا در تمامی کشورهای منطقه حضوری فعال و همه جانبه دارد. در مجموع ترکیه با ایجاد «سازمان همکاری‌های کشورهای دریای سیاه» تلاش کرده است تا در شرق اروپا ابتکار عمل را در دست گیرد. موقعیت جغرافیایی ترکیه و احداث خط لوله باکو - تفلیس - جیحان و خط لوله گاز باکو - تفلیس - ارزروم ضمن ارتقای نقش، بر اهمیت این کشور به عنوان کانال ارتباطی بین اروپا با دریای خزر و آسیای مرکزی و قفقاز افزوده است و موجب ارتقای روابط این کشورها تا سطح مشارکت استراتژیک شده است. تلاش‌های ترکیه جهت عملی شدن خط لوله نابوکو نیز تا حد زیادی می‌تواند به اهداف آن کشور یاری رساند.

نتیجه‌گیری

ترکیه در منطقه قفقاز به دنبال اهداف و منافع اقتصادی زیادی می‌باشد. در این تحقیق به بررسی منافع و میزان موفقیت در دست‌یابی کشور ترکیه به آنها پرداختیم. ترکیه در این منطقه تاکنون توانسته است به اکثر اهداف خود دست یابد. به عنوان مثال، خط لوله‌ی نفت باکو - تفلیس - جیحان را مورد بهره‌برداری قرار داده و به سود سرشاری دست پیدا کرده است. همچنین خط لوله گازی باکو - تفلیس - ارزروم که به شبکه‌ی گاز ترکیه متصل می‌شود، هم اکنون در حال احداث می‌باشد. در صورت اتمام این پروژه، ترکیه می‌تواند به شاهره اصلی انتقال انرژی در منطقه تبدیل شود و به فواید حاصل از آن (امنیت داخلی، حق ترانزیت، افزایش پرستیژ و نفوذ منطقه‌ای و جهانی) دست یابد. به علاوه ترکیه توانسته است اکثر بازارهای منطقه را به دست آورد و سرمایه‌گذاری‌های کلانی را به خصوص در بخش انرژی این منطقه انجام دهد. ترکیه همچنین توانسته است اهمیت ژئواستراتژیک خود را به برای پیوستن به اتحادیه اروپا به آنها تفهیم کند و از قفقاز به عنوان سکوی پرتاب برای ادغام کامل در اتحادیه اروپا

استفاده کند. در مقابل غرب نیز از ترکیه به عنوان اسب تروایی برای نفوذ در منطقه استفاده می‌کند. از طرف دیگر، ترکیه با حمایت‌های بی دریغ غرب توانسته است تا حدی روسیه را در منطقه مهار کند و فشارهایی از جمله، محدود کردن عبور و مرور کشتی‌های نفتکش روسیه به بهانه مشکلات محیط زیستی را بر این کشور وارد کند.

*دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای آسیای مرکزی و قفقاز در دانشگاه تهران
*دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای آسیای مرکزی و قفقاز در دانشگاه تهران

منابع:

۱. غلامرضا هاشمی، امنیت در قفقاز جنوبی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، پاییز ۱۳۸۴، ص ۱۳۷
2. Ministry of foreign affairs of turkey, "foreign policy of turkey" series, No.8 ,Ankara, March 1998. p.6.
۳. تقی کرمی، عوامل منطقه‌ای تطویل کشمکش‌ها بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال دوم، شماره ۲، ص ۲۷۴
۴. نورمحمد نوروزی، تقابل ایران و ترکیه در آسیای مرکزی و قفقاز، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۲۹، بهار ۱۳۷۹، صص ۱۲۴-۱۲۷
۵. قاسم ملکی، نقش ترکیه در آسیای مرکزی بعد از فروپاشی شوروی، (نقد و بررسی کتاب)، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۲۳، پاییز ۱۳۷۷، ص ۱۹۵
6. Exploitation of Caspian Oil and Gas Resources & in a new Look (Fate of Baku-Ceyhan Pipeline), at: <http://www.perstim.com/loil.html-47k>, p.1.
7. Soner Cagaptay, "Start up of the Baku. Tbilisi-Ceyhan Pipeline: Turkey's Energy Role", 27 May 2005, at: <http://en.wikipedia.org/wiki/Image>, P.1.
8. Yelena Kalyuzhnova, Amy Myers Jaffe, Dov Lynch and Robin C. Sickles, Energy in the Caspian Region; Present and Future, Palgrave, pp. 235-239.
9. Turkish Daily News, 5 September 2000 and 23 June 2000.
10.). Energy Information Administration, "Caspian Sea Region", December 2004, at: <http://www.eia.doe.gov/emeu/cabs/caspian.htm1>, 20.8.2005.